

تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله

مشروعیت آن

محمد امین فرد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰

حکیمه زردرنگ کشکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۰۴

چکیده

قرارداد بیمه عمر به عنوان یک عقد مستقل، تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و از موانع فقهی و حقوقی مبری است. فقهای شیعه، قرارداد بیمه عمر را به دلیل شمول عمومات ادله صحت عقود و محصور نداشتن عقود در قالب‌های معین و نیز مبری بودن از موانع فقهی از قبیل ربا، قمار، غرر و تعلیق، به عنوان عقدی مشروع و مستقل پذیرفته‌اند، هر چند آنها معتقدند این قرارداد، به دلیل انطباق با برخی عقود معین، مانند صلح و هبه معوض و مضاربه، می‌تواند در قالب این عقود نیز منعقد گردد. در این مقاله، به منظور تحلیل ماهیت فقهی و حقوقی قرارداد بیمه عمر، این قرارداد با عقود معین مشابه، تطبیق داده شده و استقلال این قرارداد به عنوان عقدی صحیح و مجاز بررسی شده است.

واژگان کلیدی: بیمه عمر، قرارداد، عقود معین، عقد مستقل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (Email: aminfard@azaruniv.edu)

۲. کارشناسی ارشد الهیات فقه و مبانای حقوق اسلامی (نویسنده مسئول)

(Email: hakimeh47@yahoo.com)

۱. مقدمه

فقه و حقوق اسلامی، برای روابط قراردادی بین افراد، چهارچوب و محدوده مجازی را مشخص نموده است و فعالیت در محدوده‌های غیر مجاز و غیر شرعی، از قبیل قراردادهای ربوی، غرری، قمار، شرط‌بندی و ... را باطل و حرام اعلام کرده است. قرارداد بیمه عمر نیز از جمله عقود مستحدثه‌ای است که بررسی فقهی و حقوقی این قرارداد و تطبیق آن با موازین شرعی و حقوق اسلامی، باتوجه به واردشدن برخی شبهات فقهی و حقوقی و اختلاف نظر فقهای شیعه و اهل سنت، لازم به نظر می‌رسد. این مقاله با هدف شناسایی اقسام قراردادهای بیمه عمر و نشان دادن اعتبار فقهی و حقوقی این قرارداد و با این فرض که این قرارداد، به دلیل شمول ادله صحت عقود و محصورنبودن عقود در قالب‌های معین و مبری‌بودن از موانع فقهی و حقوقی، ماهیت مستقلی دارد، نگارش یافته است. روش پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای است و با توجه به ماهیت موضوع، هیچ گونه اقدامات میدانی و عملیات آماری متصور نیست.

۲. کلیات

۲-۱. تعریف قرارداد بیمه عمر

«بیمه عمر، قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، متعهد می‌شود که در صورت فوت بیمه‌شده یا زنده ماندن او، در زمان معینی، مبلغی (سرمایه یا مستمری) به بیمه‌گذار یا شخص ثالث تعیین شده از طرف او بپردازد» (کریمی، ۱۳۸۷).

۲-۲. اقسام قرارداد بیمه عمر

قراردادهای بیمه عمر، به سه گروه اصلی، تقسیم شده‌اند که هر کدام از این گروه‌ها، اقسام متعددی دارند که عبارت‌اند از:

۲-۲-۱. بیمه عمر در صورت حیات

در این قرارداد، پرداخت سرمایه بیمه از سوی بیمه‌گر، موقوف به زنده ماندن بیمه‌شده، تا مدت زمان مشخص است. انواع مهم این قرارداد عبارت‌اند از:

بیمه عمر در صورت حیات با استرداد حق بیمه و بدون استرداد حق بیمه، بیمه عمر مستمری در صورت حیات که شامل بیمه مستمری با حق بیمه یکجا، بیمه مستمری فوری مادام‌العمر، بیمه مستمری فوری موقت، بیمه مستمری با حق بیمه اقساطی، بیمه مستمری یک نفره و بیمه مستمری آخرین بازمانده است (کریمی، ۱۳۸۷؛ جوهریان، ۱۳۷۳؛ اوبر، ۱۳۷۸).

۲-۲-۲. بیمه عمر در صورت وفات

در این قرارداد، تعهد بیمه‌گر، مبنی بر پرداخت سرمایه بیمه‌ای، در صورتی محقق می‌شود که بیمه‌شده، در مدت معین شده در قرارداد، فوت نماید. انواع مهم این قرارداد عبارت‌اند از:

بیمه تمام عمر که شامل بیمه تمام عمر تأخیری خطر فوت و بیمه تمام عمر به نفع استفاده‌کننده معین است و بیمه عمر موقت که شامل بیمه عمر زمانی، بیمه عمر با سرمایه نزولی، بیمه عمر با سرمایه صعودی، بیمه عمر پنج ساله تکراری و بیمه عمر کودکان است (کریمی، ۱۳۸۷؛ جوهریان، ۱۳۷۳؛ اوبر، ۱۳۷۸).

۲-۲-۳. بیمه عمر مختلط

این بیمه از ترکیب بیمه به شرط فوت و به شرط حیات، تشکیل یافته است. در این نوع بیمه عمر، خطر فوت و نیز احتمال زنده ماندن بیمه‌شده، به طور هم‌زمان، بیمه می‌شود و بیمه‌گر برحسب شرایط، به تعهد خود، در مورد یکی از این دو ریسک عمل می‌نماید. انواع مهم این قرارداد عبارت‌اند از: بیمه عمر مختلط عادی یا پس‌انداز، بیمه عمر موعده ثابت، بیمه عمر مختلط دو برابر سرمایه فوت، بیمه عمر مختلط دو برابر سرمایه در صورت حیات و بیمه مستمری خانوادگی (کریمی، ۱۳۸۷؛ جوهریان، ۱۳۷۳).

۳. بررسی و تحلیل ماهیت فقهی و حقوقی قرارداد بیمه عمر

۳-۱. شرایط انعقاد قرارداد بیمه عمر

قرارداد بیمه عمر، همچون سایر قراردادها، باید تابع قواعد عمومی قراردادها باشد و از شرایط اساسی صحت عقود و معاملات، پیروی نماید. علاوه بر این شرایط، برای صحت

قرارداد بیمه عمر، شرایط اختصاصی دیگری نیز براساس فقه و حقوق اسلامی و قانون و عرف بیمه‌ای، در نظر گرفته شده است.

۱-۳. شرایط عمومی انعقاد قرار داد بیمه عمر

براساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی، که مستنبط از فقه امامیه است، (حلی، ۱۴۰۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ نجفی، بی تا) برای صحت هر قرارداد، شرایط زیر ضروری است:

- قصد طرفین و رضای آنها

آنچه کاشف از قصد و رضای طرفین قرارداد است، ایجاب و قبول خوانده می‌شود. در قرارداد بیمه عمر، پیشنهاد بیمه از سوی بیمه‌گذار، در حکم ایجاب از طرف اوست و امضای قرارداد بیمه‌ای که مطابق با پیشنهاد تقدیمی است، دلیل قبول بیمه‌گر محسوب می‌شود. اما اگر پاسخ بیمه‌گر، کاملاً منطبق با پیشنهاد تقدیمی بیمه‌گذار نباشد در این صورت، پاسخ بیمه‌گر، ایجاب جدیدی است که این بار از سوی بیمه‌گر، به بیمه‌گذار، ارائه می‌گردد و چنانچه بیمه‌گذار، شرایط پیشنهادی بیمه‌گر را بپذیرد، عقد بیمه به دنبال این قبول، منعقد می‌گردد (کریمی، ۱۳۸۷).

براساس قواعد عمومی قراردادها، فقدان قصد طرفین، موجب بطلان عقد و فقدان یا معلول بودن رضایت آنها، موجب غیر نافذ بودن قرارداد خواهد بود. ماده ۱۲ قانون بیمه، معلول بودن رضایت بیمه‌گر را موجب بطلان قرارداد، معرفی کرده است که به نظر می‌رسد مغایر با قواعد عمومی قراردادها باشد. براساس حکم ماده ۱۲ قانون بیمه، عدم اظهار عمدی مطالب مؤثر در مورد خطر مورد بیمه و همچنین اظهارات کذب بیمه‌گذار، موجب بطلان قرارداد بیمه خواهد بود؛ درحالی‌که این مسئله، فاقد تحلیل حقوقی است. زیرا اگر تخلف بیمه‌گذار از اظهار مطالب مؤثر یا اظهارات کذب را نوعی تدلیس از سوی بیمه‌گذار، در نظر بگیریم، باید به استناد خیار تدلیس، تنها حق فسخ قرارداد را برای بیمه‌گر قائل شد یا اگر استدلال شود که بیمه‌گر در این معامله مغبون شده است، با استفاده از خیار غبن، بیمه‌گر، تنها حق فسخ معامله را خواهد داشت.

– اهلیت طرفین

ماده ۲۱۱ قانون مدنی، شرایط اهلیت را چنین بیان می‌دارد: «برای اینکه متعاملین، اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند». در قسمت دوم ماده ۲۳ قانون بیمه نیز، از اهلیت قانونی بیمه‌گذار بحث شده و در صورت فقدان اهلیت بیمه‌گذار، رضایت ولی یا قیم او را شرط اعتبار قرارداد دانسته است. از آنجاکه این دستور قانونی، به دنبال منع بیمه عمر شخص ثالث، بدون رضایت کتبی او بیان گشته است به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار، اهلیت بیمه‌شده باشد نه بیمه‌گذار. زیرا در صورت فقدان اهلیت بیمه‌گذار، مورد از موارد بطلان قرارداد است که با اجازه قبلی یا لاحق ولی یا قیم، قابل تنفیذ نمی‌باشد (مشایخی، بی‌تا). درغیراین‌صورت، این ماده مغایر با قواعد عمومی قراردادها خواهد بود. در مورد اهلیت بیمه‌گر، بر اساس ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، علاوه بر شرایط سه‌گانه اهلیت (بلوغ، عقل، رشد)، داشتن مجوز رسمی بیمه‌گری، از سوی مراجع ذی‌صلاح الزامی است.

– موضوع مورد معامله

موضوع مورد معامله در قرارداد بیمه عمر، عبارت است از خطری که بیمه‌شده به‌خاطر آن، تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرد. در قرارداد بیمه عمر به‌شرط وفات، خطر فوت بیمه‌شده در مدت معین و در بیمه عمر به‌شرط حیات، حیات بیمه‌شده، در مدت معین و در بیمه عمر مختلط، خطر فوت بیمه‌شده و نیز احتمال زنده ماندن او در مدت معین، به‌طور هم‌زمان، موضوع مورد معامله است. فقها نیز به این مسئله توجه داشته و معتقدند «در موضوع بیمه، شرط است که هم مورد بیمه، معین باشد مثلاً خانه، ماشین، کارمند و کارگر و هم نوع خطری که عقد بیمه برای آن واقع می‌شود باید معلوم باشد» (موسوی خمینی، بی‌تا).

– مشروعیت جهت معامله

از عوامل مؤثر و مهم در مشروعیت هر قرارداد، داشتن انگیزه و هدف عقلایی برای انعقاد آن است. در قرارداد بیمه عمر، انگیزه و هدف اصلی از انعقاد قرارداد، رسیدن به

آرامش و تأمین در برابر حوادث ناگوار زندگی است که انگیزه‌ای کاملاً مشروع به حساب می‌آید. البته قانون مدنی در ماده ۲۱۷، مشروعیت جهت معامله را تنها در صورتی که بدان تصریح شده باشد، لازم می‌داند.

۲-۱-۳. شرایط اختصاصی انعقاد قرارداد بیمه عمر

- تعیین مدت قرارداد

تاریخ شروع و انقضای بیمه، باید دقیقاً در سند بیمه‌نامه معین گردد. طبق قاعده کلی که در بیمه‌های عمر معمول است، شروع بیمه‌نامه عمر، فوری، یعنی هم‌زمان با انعقاد قرارداد است اما در عمل چون بیمه‌گران، حق مطالبه حق بیمه، از طریق قضایی را ندارند برای آنکه با خطر قبول تعهد، بدون دریافت لاقبل اولین حق بیمه، مواجه نباشند، شروع اعتبار بیمه‌نامه را موکول به دریافت اولین حق بیمه می‌کنند (مشایخی، بی‌تا).

- تعیین خطر مورد بیمه

خطر مورد بیمه در قرارداد بیمه عمر، باید در سند بیمه‌نامه معین گردد. در بیمه عمر به شرط حیات، احتمال زنده ماندن بیمه‌شده در مدت معین، در بیمه عمر به شرط وفات، فوت بیمه‌شده در مدت معین و در بیمه عمر مختلط، خطر مرگ و احتمال زندگی بیمه‌شده در مدت معین، خطر مورد بیمه را تشکیل می‌دهد. از آنجاکه خطر مورد بیمه، در قرارداد بیمه عمر، ارتباط مستقیمی با بیمه‌شده دارد، تعیین بیمه‌شده در بیمه عمر، ضرورت خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر صدور بیمه‌نامه عمر، بدون ذکر نام بیمه‌شده، به نام حامل، ممنوع است؛ زیرا صدور چنین بیمه‌نامه‌ای، برخلاف اصول فنی و نقش بیمه عمر است (مشایخی، بی‌تا) و موجب جهل و غرر در قرارداد بیمه عمر خواهد شد.

- تعیین میزان حق بیمه و نحوه پرداخت آن

میزان حق بیمه و همچنین نحوه پرداخت آن، در سند بیمه‌نامه، تعیین می‌گردد. در رابطه با پرداخت حق بیمه، مسئله اختیاری بودن پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار و ضمانت اجرای عدم پرداخت اقساط حق بیمه قابل بررسی است. بر خلاف سایر انواع بیمه، در

بیمه عمر، پرداخت حق بیمه از طرف بیمه‌گذار، اجباری نیست (مشایخی، بی‌تا) و بیمه‌گر نمی‌تواند برای دریافت حق بیمه‌های معوق، از طریق دادگستری اقدام نماید. در این مورد اگر ضمانت اجرای خاص، در سند بیمه‌نامه معین گردد بر اساس حکم ماده ۱۰ قانون مدنی، قابل اجرا خواهد بود. در غیر این صورت، بر اساس رویه و عرف بیمه‌ای، ضمانت اجرای خاصی، برای بیمه‌گر در نظر گرفته می‌شود. بیمه‌گر در این صورت، بر حسب مورد، حق تعلیق، تخفیف یا فسخ قرارداد را خواهد داشت.

– تعیین میزان سرمایه بیمه و نحوه پرداخت آن

بر اساس ماده ۲۳ قانون بیمه ایران، مبلغ سرمایه بیمه، باید در سند بیمه‌نامه، دقیقاً معین گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضای بدن، مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو، باید به‌طور قطع در موقع عقد بیمه، بین طرفین معین شود...» همچنین نحوه پرداخت این سرمایه، که می‌تواند به‌صورت یکجا یا مستمری انجام شود، باید در سند بیمه‌نامه مشخص گردد.

۲-۳. قرارداد بیمه عمر و عقود معین

در این بحث، تفاوت‌ها و شباهت‌های قرارداد بیمه عمر، با چهار عقد معین مضاربه، صلح، هبه معوض و جعاله، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. بیمه عمر و عقد مضاربه

برخی از فقها و دانشمندان اهل سنت و شیعه، با اندراج و انطباق قرارداد بیمه عمر تحت عنوان مضاربه، بر مشروعیت این قرارداد، فتوا داده‌اند (موسوی خمینی، بی‌تا؛ توحیدی‌نیا، ۱۳۸۱) هر چند اکثر فقهای اهل سنت، بیمه عمر را در قالب عقد مضاربه، مشروع می‌دانند (عرفانی، ۱۳۸۱؛ توحیدی‌نیا، ۱۳۸۱) اما در مقابل، برخی از فقها با آن مخالف بوده و تفاوت‌هایی بین قراردادهای بیمه عمر و عقد مضاربه قائل‌اند. قبل از پرداختن به این موارد، اشاره‌ای به نحوه انطباق عقد مضاربه با قرارداد بیمه عمر می‌شود: براین اساس بیمه‌گذاران در قرارداد بیمه، در حکم سرمایه‌گذارانی هستند که سرمایه (حق بیمه) را به‌صورت یکجا یا به‌صورت اقساط در اختیار بیمه‌گر، به عنوان عامل، قرار

می‌دهند و بیمه‌گر با سرمایه‌گذاری در راه‌های مشروع، بعد از کسر هزینه مخارج و سهم سود معین شده خود، سود حاصل شده را در بین سرمایه‌گذاران (بیمه‌گذاران) تقسیم می‌کند. در این قرارداد مقداری از سود حاصل شده، به عنوان تبرع، در حساب ویژه نگهداری می‌شود که از محل همین حساب، خطر مورد بیمه، جبران می‌گردد. به عبارت دیگر قرارداد بیمه با ادراج در عقد مضاربه و به عنوان شرط ضمن عقد مضاربه منعقد می‌گردد. در تکافل خانواده نیز که بدیلی برای بیمه عمر محسوب می‌شود، عقد مضاربه مهم‌ترین قالب برای انعقاد قرارداد است. در این قرارداد نیز از محل حساب ویژه، خطر مورد بیمه، جبران می‌گردد و در صورت فوت بیمه‌شده، قبل از پرداخت تمامی حق بیمه‌ها، حق بیمه‌های وصول نشده از محل حساب ویژه پرداخت می‌گردد و در واقع قرارداد به پایان می‌رسد. در صورت اتمام قرارداد تکافل، تمامی حق بیمه‌های دریافت شده و سود حاصل از آنها، به بیمه‌گذار یا ذی‌نفع معین شده، مسترد می‌گردد. از میان فقهای شیعه، موسوی خمینی، انعقاد قرارداد بیمه را در ضمن عقد مضاربه، صحیح دانسته و آن را نسبت به طرفین قرارداد، عقدی جایز معرفی کرده است. اما با در نظر گرفتن تفاوت‌های اساسی بین عقد مضاربه و قرارداد بیمه عمر، روشن می‌گردد که این دو قرارداد، کاملاً متفاوت از هم می‌باشند که به این موارد تحت عنوان ایرادات انطباق قرارداد بیمه عمر با عقد مضاربه اشاره می‌گردد.

– ایرادات انطباق قراردادهای بیمه عمر با عقد مضاربه

در عقد مضاربه، هدف اصلی از انعقاد عقد، تجارت و کسب سود برای طرفین است (شهید ثانی، ۱۴۱۰). اما در قراردادهای بیمه عمر هدف اصلی قرارداد، حداقل برای بیمه‌گذار کسب سود و تجارت نیست. زیرا در برخی از اقسام بیمه عمر، مانند «بیمه عمر به شرط فوت» در صورت زنده بودن بیمه‌گذار، در پایان مدت قرارداد، هیچ گونه نفع مادی عائد او نخواهد شد.

عقد مضاربه از عقود جایز (حلی، ۱۴۰۸؛ طوسی، ۱۳۸۷) و قراردادهای بیمه عمر، نسبت به بیمه‌گذار جایز و نسبت به بیمه‌گر از عقود لازم تلقی می‌گردد (دستباز، ۱۳۷۷؛

کریمی، ۱۳۸۷). بنابراین در عقد مضاربه، با مرگ هر کدام از طرفین، عقد فسخ می‌گردد اما در قراردادهای بیمه عمر، چه بسا با مرگ بیمه‌گذار، تعهد بیمه‌گر شروع گردد. در عقد مضاربه، سرمایه از ملکیت مالک خارج نمی‌گردد و عامل در حکم وکیل مالک است (حلی، ۱۴۰۸؛ طوسی، ۱۳۸۷؛ نجفی، بی‌تا). اما در قراردادهای بیمه عمر متعارف، حق بیمه‌های پرداخت‌شده توسط بیمه‌گذار، از ملکیت او خارج شده و به ملکیت بیمه‌گر در می‌آید (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰؛ برهانیان، ۱۳۸۶).

در عقد مضاربه، مقدار سرمایه، باید مشخص باشد (حلی، ۱۴۰۸؛ نجفی، بی‌تا). حال اگر در قراردادهای بیمه عمر، حق بیمه‌های پرداختی توسط بیمه‌گذار را سرمایه در نظر بگیریم، مقدار آن عملاً مشخص نیست؛ زیرا تعداد حق بیمه‌ها، به عمر بیمه‌شده، بستگی دارد و طول عمر بیمه‌شده، به هیچ وجه مشخص و معلوم نیست (برهانیان، ۱۳۸۶).

تجارت، شرط اصلی و اساسی مضاربه است (حلی، ۱۴۰۸؛ نجفی، بی‌تا)، درحالی‌که در قراردادهای بیمه عمر، چنین شرطی وجود ندارد و بیمه‌گر حق بیمه‌های دریافتی را در هر راهی که سودآور باشد سرمایه‌گذاری می‌کند.

ماده ۵۵۸ قانون مدنی، تحمل خسارت توسط مضارب را از جمله مبطلات عقد مضاربه بر شمرده است. در صورتی‌که در قراردادهای بیمه عمر، در صورت وارد آمدن هر گونه خسارتی، بیمه‌گر یعنی عامل آن را متحمل خواهد شد (برهانیان، ۱۳۸۶).

۲-۳. بیمه عمر و عقد صلح

برخی از فقها و حقوق‌دانان اسلامی، عقد بیمه را با عقد صلح مقایسه کرده و از راه انطباق عقد صلح با اقسام بیمه، بر مشروعیت آن نظر داده‌اند (حلی، ۱۴۱۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا).

- بررسی تطبیقی قراردادهای بیمه عمر با عقد صلح

در مورد قراردادهای بیمه عمر، این تطبیق را می‌توان چنین بیان کرد: در این قراردادها، طرفین قرارداد، یعنی بیمه‌گر و بیمه‌گذار، بر این امر مصالحه می‌نمایند که بیمه‌گذار، مبلغی را به بیمه‌گر، پرداخت نماید و بیمه‌گر، تعهد می‌نماید که در صورت فوت

بیمه شده در مدت تعیین شده در قرارداد، (بیمه عمر به شرط فوت) یا در صورت حیات او تا پایان مدت تعیین شده در قرارداد، (بیمه عمر به شرط حیات) یا در هر دو صورت، چه در صورت فوت و چه در صورت حیات او تا مدت تعیین شده در قرارداد (بیمه عمر مختلط)، مبلغ معینی را به بیمه‌گذار یا ذی‌نفع معین شده در قرارداد، بپردازد. به نظر می‌رسد از نظر فقه و قانون مدنی، بر مصالحه فوق‌ایردی وارد نیست و حتی قانون مدنی در ماده ۷۹۸، از نوعی صلح یاد می‌کند که شباهت زیادی به بیمه عمر دارد؛ در این ماده آمده است: «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال‌الصلحی که می‌گیرد، متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه، تا مدت معین تأدیه کند. این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود».

با این حال می‌توان گفت که هر چند قراردادهای بیمه عمر، در عمل به صورت مصالحه منعقد نمی‌گردند و متعاقدین در این قراردادها، در مقام انشاء عقد، بنابر مصالح ندارند اما انعقاد قراردادهای بیمه عمر، در قالب عقد صلح نیز امکان‌پذیر است. همان‌طور که فقها ضمن اشاره به همین مطلب، بیمه را عقدی مستقل می‌دانند. (سبزواری، ۱۴۱۳؛ حلی، ۱۴۱۵؛ موسوی خمینی، بی‌تا).

۳-۲-۳. بیمه عمر و عقد هبه

برخی از فقها و دانشمندان حقوق اسلامی، از راه انطباق عقد بیمه با عقد هبه معوض بر مشروعیت همه اقسام بیمه نظر داده‌اند (خویی، ۱۴۱۰؛ حلی، ۱۴۱۵؛ آقا تبریزی، ۱۳۷۵).

- بررسی تطبیقی قراردادهای بیمه عمر با عقد هبه

وجه تطبیق بیمه عمر با عقد هبه را می‌توان چنین بیان داشت: در این قراردادها بیمه‌گذار به عنوان واهب، مبالغی را به صورت اقساط یا به صورت یکجا (مال موهوبه) به بیمه‌گر، به عنوان متهب، پرداخت می‌کند و در ضمن عقد هبه، شرط می‌کند که اگر تا تاریخ معین، زنده بماند (بیمه عمر به شرط حیات) یا فوت کند (بیمه عمر به شرط وفات) یا در هر دو صورت، چه در صورت حیات و چه در صورت وفات تا تاریخ

معین (بیمه عمر مختلط) بیمه‌گر مبلغی را به عنوان عوض به بیمه‌گذار یا ذی‌نفع بیمه‌ای معین‌شده، پرداخت کند.

به نظر می‌رسد که بر این تطبیق، ایرادی وارد نباشد و حتی می‌توان گفت قراردادهای بیمه عمر نسبت به سایر اقسام بیمه، شباهت بیشتری با عقد هبه معوض دارند؛ زیرا در سایر اقسام بیمه، به دلیل لازم‌بودن عقد بیمه، بیمه‌گذار حق فسخ قرارداد و رجوع به مبالغ پرداختی و استرداد آنها را ندارند، درحالی‌که در عقد هبه معوض، لزوم این عقد، منوط بر قبض عوض است. اما این ایراد بر قراردادهای بیمه عمر وارد نمی‌باشد. زیرا این قراردادها نسبت به بیمه‌گذار از عقود جایز و نسبت به بیمه‌گر، لازم تلقی می‌گردند. بنابراین بیمه‌گذار، همانند واهب در عقد هبه معوض، قبل از پرداخت نفع بیمه‌ای توسط بیمه‌گر (عوض) و در طول قرارداد، می‌تواند قرارداد را فسخ و تقاضای بازخرید بیمه‌نامه از محل ذخیره ریاضی (که در اکثر قراردادهای بیمه عمر تشکیل می‌شود) داشته باشد. زیرا پرداخت حق بیمه در قراردادهای بیمه عمر، اجباری نیست.

باین حال برخی (برهانیان، ۱۳۸۶) معتقدند، تفاوت‌هایی بین قرارداد بیمه و عقد هبه معوض، وجود دارد که آنها را از همدیگر متمایز می‌سازد، از جمله اینکه:

- در عقد هبه معوض، ملازمه‌ای بین دریافت مال موهوبه و پرداخت عوض از سوی متهب وجود ندارد. یعنی متهب می‌تواند از پرداخت عوض خودداری کند و در این صورت عقد هبه باطل نمی‌گردد؛ درحالی‌که در قراردادهای بیمه عمر با پرداخت اولین قسط، از سوی بیمه‌گذار، در صورت وقوع خطر مورد بیمه، بیمه‌گر ملزم به پرداخت مبلغ بیمه است. در جواب این ایراد می‌توان گفت: قرارداد بیمه عمر، نسبت به بیمه‌گر، عقدی لازم محسوب می‌شود و شرط ضمن عقد این قرارداد، برای بیمه‌گر، لازم‌الوفاست. همان‌طور که فقها عمل به این شرط را واجب می‌دانند، خویی (۱۳۹۰) در این مورد معتقد است: «می‌توان قرارداد بیمه را با تمام اقسام آن، از باب عقد هبه معوض، تصحیح کرد و بر بیمه‌گر واجب است به شرط وفا کند و خسارت بیمه‌کننده را جبران کند». بنابراین اگر بیمه عمر، در قالب عقد هبه معوض، منعقد گردد، ملازمه

بین پرداخت حق بیمه، به عنوان مال موهوبه و عمل به شرط، یعنی پرداخت سرمایه بیمه، همچنان وجود دارد.

- تلقی‌ای که عرف و عقلا از قراردادهای بیمه عمر دارند، غیر از تلقی آنها، از هبه معوض است. زیرا اقدام به تملیک مجانی مال، اگر چه مشروط به عوض باشد، با اقدام به بیمه، کاملاً متفاوت است. در جواب به این ایراد نیز می‌توان گفت: مطمئناً تلقی عرف از بیمه عمر متعارف، غیر از تلقی آنها از عقد هبه معوض است. اما مسئله این است که، می‌توان قرارداد بیمه عمر را در قالب عقد هبه معوض، منعقد نمود و بر این انعقاد، هیچ ایرادی وارد نیست. همان‌طور که بسیاری از فقهای شیعه (موسوی خمینی، ۱۳۷۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳؛ زین‌الدین، ۱۴۱۳)، ضمن اشاره به استقلال قرارداد بیمه، انعقاد آن در قالب عقد هبه معوض را نیز صحیح می‌دانند.

۴-۲-۳. بیمه عمر و جعاله

- بررسی تطبیق بیمه و قراردادهای بیمه عمر با جعاله

در مورد تطبیق عقد بیمه با جعاله گفته شده است: اگر بیمه‌گذار به عنوان جاعل، عقد بیمه را با بیمه‌گر به عنوان عامل معین، این‌گونه منعقد نماید که «اگر در طول مدت قرارداد، خطر مورد بیمه را در صورت وقوع، جبران نمایی، متعهد به پرداخت مبلغ مندرج در قرارداد خواهم بود» عقد بیمه در قالب جعاله منعقد گشته است. زیرا که تعهد بیمه‌گر و اقدامات عملی دیگر از قبیل ایجاد نمایندگی و تعیین کارشناس و ... نزد عقلا ارزشمند است و همین تعهد و اعمال، مورد جعاله قرار می‌گیرند. به همین دلیل برخی از اندیشمندان، عقد بیمه را مطابق با جعاله دانسته و از این طریق، به مشروعیت آن نظر داده‌اند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰). به همین ترتیب در مورد قراردادهای بیمه عمر نیز تعهد بیمه‌گر مبنی بر تأمین بیمه‌ای به عنوان عمل در مقابل جُعَل (حق بیمه) قرار می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد که این تطبیق به دلیل وجود تفاوت‌های اساسی بین قراردادهای بیمه عمر و جعاله، ممکن و صحیح نباشد. در ادامه به این تفاوت‌ها اشاره می‌گردد:

قانون مدنی در ماده ۶۵۶، جعاله را عقدی جایز معرفی می‌کند، درحالی‌که بیمه عمر، نسبت به بیمه‌گذار جایز و نسبت به بیمه‌گر، لازم است. همچنین عقد جعاله، پس از انجام عمل، توسط عامل، عقدی لازم محسوب می‌شود، درحالی‌که بیمه عمر، برای بیمه‌گذار، همیشه عقدی جایز محسوب می‌شود.

در جعاله، عامل در برابر دریافت جُعَل، عملی را برای جاعل انجام می‌دهد. درحالی‌که در قراردادهای بیمه عمر، چنین تعهدی وجود ندارد و بیمه‌گر بدون اینکه عملی را انجام دهد، حق بیمه را دریافت می‌کند. به عبارت دیگر تعهد بیمه‌گر را نمی‌توان عمل محسوب کرد. در جعاله، عامل بعد از انجام عمل، مستحق جُعَل می‌شود، درحالی‌که در قراردادهای بیمه عمر، قبل از پرداخت اولین قسط حق بیمه، بیمه‌گر هیچ تعهدی ندارد. جعاله محدود به زمان خاصی نیست. ولی در قراردادهای بیمه عمر، زمان مشخص، برای پرداخت حق بیمه‌ها و نیز تحقق تعهد بیمه‌گر وجود دارد.

۳-۳. نتیجه بحث

قرارداد بیمه عمر، با وجود تشابهاتی که با برخی از عقود معین داشته و قابلیت انطباقی که با عقد صلح و عقد هبه معوض دارد، در عمل در قالب هیچ یک از این عقود منعقد نمی‌گردد و ماهیت مستقلی دارد.

۴. ادله مشروعیت قرارداد بیمه عمر

اثبات مشروعیت هر نهاد حقوقی یا هر قراردادی به‌ویژه امور مستحدثه، دو مرحله دارد:

- انطباق امر مورد نظر با عموماًت و اطلاعات فقهی و حقوقی؛

- عاری بودن امر مورد نظر از موانع و اشکالات فقهی و حقوقی.

عموماتی در قرآن کریم و روایات وارد شده که فقها و حقوق‌دانان برای اثبات اصل آزادی قراردادها و محصور نبودن عقود در قالب‌های معین و معهود، به آنها تمسک جسته‌اند که به طور خلاصه به این موارد اشاره می‌گردد.

۱-۴. بررسی مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها

– آیه شریفه «و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم»^۱ در این آیه شریفه ابتدا تصرف و تملک در اموال دیگران از راه‌های باطل نهی شده و سپس تصرف و تملکی که از روی تجارت همراه با رضایت باشد، استثناء گردیده است. این آیه به عنوان مرجعی عام در باب بیع، مورد استناد فقها قرار گرفته و دو برداشت کلی ارائه شده است (قنوتی، ۱۳۷۹):

• در هر قراردادی رضایت طرفین عقد ضروری است و قراردادی که فاقد رضایت هر دو یا یکی از طرفین باشد، نفوذ و اعتبار ندارد.

• هر قراردادی که از نظر عرفی مصداق «تجاره عن تراض» باشد و موانع دیگری نداشته باشد، از نظر شرعی، صحیح است و آثار قرارداد بر آن مترتب می‌گردد. بنابراین بسیاری از فقها، با استناد به این آیه، هر قرارداد و معامله‌ای را که با رضایت طرفین، منعقد گردد و شرایط اساسی صحت قراردادها را داشته باشد، از نظر شرعی، صحیح دانسته و معتقدند که این آیه اختصاص به عقود معین ندارد بلکه عقود جدید و مستحدثه را نیز شامل می‌شود (خویی، ۱۴۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶).

– آیه شریفه «أوفوا بالعقود»^۲

«أوفوا» صیغه امر از ماده «وفا» است و صیغه امر، ظهور در وجوب دارد و «العقود» جمع همراه با الف و لام است که این جمع نیز بر عموم زمانی و افرادی دلالت دارد (مظفر، بی‌تا). با این توضیح فقها در معنای عبارت «أوفوا بالعقود» گفته‌اند: وفای به عقد به معنای «عمل بر طبق مقتضای عقد» است. براساس این دیدگاه «أوفوا بالعقود» به معنای وجوب عمل به مفاد عقد و ترتیب اثر دادن به پیمان است و بنابراین آیه به صورت مطابقی، بر صحت عقد دلالت دارد (مراغی، ۱۴۱۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶). برخی

۱. سوره نساء آیه ۲۹

۲. سوره مائده آیه ۱

دیگر از فقها «اوفوا بالعقود» را به معنی لزوم عقد و وجوب التزام به آن تفسیر نموده‌اند. براساس این دیدگاه، «اوفوا بالعقود» به معنای وجوب اتمام عقد و ادله آن و لزوم پایبندی به عقد است. بنابراین «لزوم عقد» دلالت مطابقی و «صحت عقد» دلالت التزامی آیه است (نائینی، ۱۳۷۳؛ خوبی، ۱۴۱۲؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۸). براین اساس فقها دلالت این آیه را مخصوص عقود معین و معاملات مرسوم ندانسته و معتقدند که شامل هر عقد و پیمانی می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵).

- روایت «المؤمنون عند شروطهم»

حدیث فوق دارای عموم افرادی و زمانی است و این معنا از «الف و لام» «المؤمنون» و از واژه «شرط» برداشت می‌شود که به صورت جمع وارد شده است. گروهی از فقها که شرط را به معنای «مطلق التزام» در نظر می‌گیرند و معتقدند که شرط، شامل شروط ابتدایی و شروط ضمن عقد است، این چنین، برداشت می‌کنند که روایت مزبور، نه فقط التزامات ضمن عقد، بلکه خود قرارداد را نیز به عنوان «التزام اصلی» شامل می‌شود در نتیجه با استناد به این روایت، علاوه بر شروط و تعهدات ضمن عقد، به صحت و اعتبار همه عقود و معاملات عقلایی نظر داده و حتی شروط ابتدایی و تعهدات مستقل خارج از عقد را الزام آور دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۵).

- روایت «الناس مسلطون علی اموالهم»

با توجه به مفاد حدیث، مردم حق هر گونه تصرف مادی و حقوقی در اموال خود را دارند و این حق تصرف خود را به هر نحو و کیفیتی که بخواهند می‌توانند اعمال کنند. بنابراین در صورت شک در مشروعیت تصرف خاصی می‌توان برای اثبات مشروعیت آن به این حدیث تمسک کرد (مراغی، ۱۴۱۷؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۸). به عبارت دیگر مفاد حدیث چنین است: «هر گونه تصرف مالکانه‌ای که مالک در مالش انجام دهد، مورد امضای شارع است» (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰). و این مفاد از اطلاق حدیث برداشت می‌شود؛ زیرا در آن، تسلط بر مال، به نوع خاصی مقید نشده است. مگر اینکه معامله‌ای

نامشروع باشد که در این صورت با دلیل خاصی از اطلاق حدیث خارج می‌گردد مانند قرض ربوی یا معامله غرری که دلیل خاص شرعی، بر ممنوعیت آنها وجود دارد.

۱-۱-۴. نتیجه بحث

در مبحث بررسی مبانی فقهی اصل آزادی قراردادهای روشن گردید که فقها با استناد به عمومات ادله‌ای مانند «اوفوا بالعقود»، «تجاره عن تراض»، «المومنون عند شروطهم» و «الناس مسلطون علی اموالهم» معتقدند که عقود، منحصر و محدود در قالب‌های معین و متداول در زمان شارع نمی‌باشند بلکه عقود نو ظهور و غیر معین و به‌طور کلی هر نوع قرارداد عرفی و عقلایی را نافذ و معتبر می‌شناسند البته صحت و الزام‌آور بودن این قراردادها، مشروط بر این است که شرایط عرفی و عقلایی عقد را در بر داشته و احکام و مقررات شرعی در آنها رعایت شده باشد. در بحث از شرایط عمومی و اختصاصی انعقاد قرارداد بیمه عمر نیز روشن گردید که قرارداد بیمه عمر تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و کلیه شرایط لازم برای انعقاد یک عقد از نظر فقه و حقوق اسلامی را دارد. بر این اساس قرارداد بیمه عمر در صورتی که با مانعی شرعی، حقوقی و عرفی مواجه نباشد می‌تواند به عنوان یک عقد مستقل مورد انعقاد واقع شود. به منظور نشان دادن عدم مواجه این قراردادها، با موانع شرعی و قانونی، به ایرادات و شبهات فقهی و حقوقی که از سوی برخی از فقها و حقوقدانان بر این قراردادها وارد شده، پاسخ داده می‌شود.

۲-۴. ایرادات وارده بر قرارداد بیمه عمر

۱-۲-۴. بیمه عمر و ربا

منشاء این شبهه در قرارداد بیمه عمر، بیشتر بودن مبلغ سرمایه بیمه‌ای، نسبت به حق بیمه است. منتقدین به ربوی بودن قراردادهای بیمه عمر، نوع ربا در این قراردادها را ربای قرضی محسوب می‌کنند. بر این اساس، وقتی بیمه‌گر ملتزم می‌گردد که مبلغی بیشتر از آنچه به عنوان حق بیمه دریافت کرده است به بیمه‌گذار بپردازد این مقدار اضافه، از قبیل مقدار اضافه‌ای است که در قرض ربوی دریافت می‌گردد. حتی برخی معتقدند ماهیت اصلی و اساسی این نوع بیمه‌ها رباست و بیمه، یک امر فرعی است (مطهری، ۱۳۶۸).

در جواب این ایراد می‌توان گفت: ماهیت قرض با ماهیت قرارداد بیمه عمر کاملاً متفاوت است. آنچه به عنوان حق بیمه از سوی بیمه‌گذار پرداخت می‌گردد هرگز در حکم قرض نیست تا مقدار اضافی سرمایه بیمه‌ای، شامل قرض ربوی گردد بلکه قرارداد بیمه عمر، عقد مستقلی است و تابع احکام و قواعد خاص خود است و چه بسا در این قرارداد در مقابل پرداخت حق بیمه، به دلیل عدم وقوع خطر مورد بیمه، هیچ مبلغی از سوی بیمه‌گر، پرداخت نگردد (بیمه عمر به شرط حیات بدون استرداد حق بیمه).

۲-۲-۴. بیمه عمر و قمار و شرط‌بندی

قمار و شرط‌بندی، عملی است که صرفاً، با اتکای به بخت و شانس و تصادف، موجب به دست آوردن مالی بلاعوض یا از دست دادن مالی بلاعوض می‌شود. در قرارداد بیمه عمر نیز فوت یا حیات انسان که امری اتفاقی است موجب به دست آوردن یا از دست دادن مالی بلاعوض، برای بیمه‌گر یا بیمه‌گذار می‌شود. وجود همین نکته مشترک، باعث شده که عده‌ای قمار و شرط‌بندی روی عمر دیگری را نسبت به قرارداد بیمه عمر مطرح کنند.

اما با در نظر گرفتن جنبه گروهی بیمه برای بیمه‌گر و جنبه تضمینی و تأمین روحی بیمه برای بیمه‌گذار، حتی در صورت عدم وقوع خطر مورد بیمه، روشن می‌گردد که ماهیت بیمه عمر با قمار و شرط‌بندی کاملاً متفاوت است. علاوه بر این، در برخی از اقسام قرارداد بیمه عمر، مانند بیمه‌های عمر مختلط و بیمه تمام عمر و بیمه‌های با استرداد حق بیمه، شبهه از دست دادن مال بلاعوض برای بیمه‌گذار منتفی است. از دیدگاه عرف و عقلا و از نظر انگیزه اقدام به بیمه و قمار و حتی از نظر تأثیر اقتصادی نیز، این دو مورد کاملاً از هم متمایز می‌باشند.

۳-۲-۴. بیمه عمر و تعلیق

منظور از تعلیقی بودن قراردادهای بیمه عمر، از سوی منتقدین، تعلیق در اثر قرارداد است. زیرا در این قراردادها اثر اصلی عقد، که عبارت است از پرداخت نفع بیمه‌ای به

بیمه‌گذار یا ذی‌نفع بیمه‌ای، به امر دیگری که عبارت است از فوت یا حیات بیمه‌شده در مدت معین، معلق است. منشاء این ایراد، در قراردادهای بیمه عمر، معلق بودن تحقق تعهد بیمه‌گر، مبنی بر پرداخت نفع بیمه‌ای به ذی‌نفع، بر فوت یا حیات بیمه‌شده در مدت معین است. اما، فقها و حقوق‌دانان تجیر در عقود را به‌طور مطلق، معتبر نمی‌دانند. فقهای امامیه (نائینی، ۱۳۷۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶) در مورد صحت عقد معلق اختلاف نظر دارند و حقوق‌دانان تنها تعلیق در انشاء را مبطل عقد می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۶). قانون مدنی در ماده ۱۸۴، از عقد معلق به عنوان عقدی صحیح در کنار سایر عقود نام برده است و در فقه اسلامی از عقود معلق، مانند وصیت، نذر، عهد و نام برده شده است. براین اساس ایراد تعلیق بر قراردادهای بیمه عمر وارد نمی‌باشد. هر چند تعلیق در اثر قرارداد نیز شامل همه قراردادهای بیمه عمر نمی‌باشد و در بیمه تمام عمر و بیمه‌های عمر مختلط این تعلیق در عمل به صفر می‌رسد (امامی و السان، ۱۳۸۳).

۴-۲-۴. غرر در بیمه عمر

غرر عبارت است از اینکه عوضین در هر معامله معوض، در معرض خطر باشد، یعنی احتمال نابودی آن از نظر عرف و عادت مورد التفات باشد. حال اگر عوضین در قراردادهای بیمه عمر را حق‌بیمه و سرمایه بیمه‌ای در نظر بگیریم، جهالت در عوضین قراردادهای بیمه عمر راه می‌یابد و به‌خاطر این جهل، معامله غرری می‌گردد. هر چند در بیمه‌نامه‌های عمر، مقدار حق‌بیمه و سرمایه بیمه‌ای مشخص است، اما غرری بودن قراردادهای بیمه عمر از آنجا ناشی می‌شود که این قراردادها، از قراردادهای احتمالی محسوب می‌شوند. یعنی خطر مورد بیمه در این قراردادها (حیات بیمه‌شده یا فوت او)، امری احتمالی است. زیرا احتمال دارد بعد از پرداخت تنها اولین قسط از اقساط حق‌بیمه، خطر مورد بیمه به وقوع بپیوندد و در مقابل احتمال دارد که بعد از پرداخت همه اقساط حق‌بیمه، خطر مورد بیمه، تحقق پیدا نکند. همین امر باعث مجهول‌شدن مقدار حق‌بیمه و سرمایه بیمه‌ای می‌شود. لذا به‌خاطر جهل مزبور در قراردادهای بیمه

عمر و به‌طور کلی در همه اقسام بیمه، ایراد غرری بودن بر این قراردادها از سوی برخی فقها (عرفانی، ۱۳۸۱) وارد شده است.

- تحلیل مسئله و پاسخ آن

به‌نظر می‌رسد منشاء این اشکال، این است که بیمه عمر را عقد معوضی در نظر می‌گیرند که عوضین آن را دو مبلغ پول تشکیل می‌دهد (صادقی نشاط، ۱۳۷۲). در حالی که حقیقت بیمه عمر و به‌طور کلی حقیقت همه اقسام بیمه، جنبه تأمینی آن است. به عبارت بهتر آنچه در ازاء حق بیمه قرار می‌گیرد «تأمین» است. علاوه بر این، یادآوری این مطلب نیز لازم است که احتمال در حدوث قطعی اعمال حقوقی، دو گونه است: گاهی احتمال در مقدمات تکوینی یک عمل حقوقی است مانند امر مشروطی که عروض شرط، به عنوان یک پدیده تکوینی، محتمل است و در صورت محقق شدن شرط، تحقق مشروط، که عمل حقوقی است، حتمی است. اما گاهی خود عمل حقوقی، مشکوک‌الصدور و در پرده ابهام قرار دارد. احتمال اولی قابل پیش‌بینی است و فرد می‌تواند با میزان ریسک‌پذیری خود، آن را قبول یا رد کند و شارع نیز چنین ریسکی را در کلیه امور مشروط پذیرفته است اما احتمال دوم به‌خاطر ریسک بالا و غرری بودن، مورد نهی شارع قرار گرفته است و روشن است که جهل و احتمال موجود در بیمه عمر از نوع اول است.

بیمه، قراردادی است که نتیجه و اثر آن، برای بیمه‌گذار معلوم است و ابهام و جهل در آن راه نمی‌یابد. بیمه‌گذار در بیمه عمر، در برابر حق بیمه‌های پرداختی، آرامش خاطر و اطمینان دریافت می‌کند، هر چند خطر مورد بیمه به وقوع نپیوندد.

غرری بودن بیمه عمر، برای بیمه‌گر نیز منتفی است. زیرا بیمه‌گر، با تعداد زیادی از بیمه‌گذاران، قرارداد بیمه را منعقد می‌کند و مجموع قراردادها را بر مبنای علم آمار و اصول احتمالات می‌سنجد و معاینات پزشکی را برای ارزیابی خطر واقعی به‌کار می‌گیرد. لذا نظام بیمه‌ای، به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که احتمال ضرر و غرر برای بیمه‌گر، از بین می‌رود. بلکه حتی بیمه‌گر، در اکثر قراردادهای بیمه عمر، علاوه بر تأمین

هزینه‌های امور اداری و مدیریتی کارکنان خود، همیشه مبالغی را به عنوان ذخیره ریاضی^۱ در اختیار دارد.

با عنایت به مطالب، باز مسئله مجهول بودن تعداد اقساط دریافتی و پرداختی توسط بیمه‌گر و بیمه‌گذار همچنان به حال خود باقی است. در جواب این مسئله می‌توان گفت که هر جهالتی به صحت عقد ضرر نمی‌رساند و آن را در معرض فساد و بطلان قرار نمی‌دهد بلکه جهلی موجب فساد و بطلان معامله می‌شود که موجب ابهام در قرارداد شود. اما در جایی که علم اجمالی، در مورد قرارداد حاصل شود، به خصوص در غیر مورد بیع، همان علم اجمالی برای صحت قرارداد کافی است. از این رو فقها به صحت عقود که طرفین به مورد آن علم اجمالی دارند مانند مضاربه، مساقات، حواله، ضمان و جعاله فتوا داده‌اند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰؛ عرفانی، ۱۳۸۱). بنابراین در مورد قرارداد بیمه عمر نیز علم اجمالی وجود دارد؛ زیرا مبلغی که بیمه‌گر و بیمه‌گذار پرداخت خواهند نمود در سند بیمه‌نامه مشخص شده است.

۵-۲-۴. بیمه عمر و ضمان مالیم یجب

ضمان مالیم یجب، یعنی ضامن شدن نسبت به تعهدی که هنوز به وجود نیامده و سبب آن تحقق نیافته است. این شبهه بر قراردادهای بیمه‌ای از آنجا وارد می‌شود که بیمه‌گر، متعهد می‌شود خطر مورد بیمه را که هنوز محقق نشده، جبران نماید. در جواب این ایراد می‌توان گفت: اولاً در صورتی بیمه از مصادیق ضمان مالیم یجب خواهد بود که بیمه‌گر انشاء تعهد فعلی نسبت به جبران خطر مورد بیمه نماید اما از آنجاکه در قراردادهای بیمه‌ای، انشاء تعهد بعدی، یعنی تعهد پس از وقوع خطر مورد بیمه، صورت می‌گیرد، بنابراین بیمه به هیچ وجه مصادیق ضمان مالیم یجب نخواهد بود (عرفانی، ۱۳۸۱). دوماً: دلیل شرعی از کتاب و سنت بر بطلان ضمان مالیم یجب در

۱. در تمام انواع بیمه عمر، به جز بیمه عمر زمانی، پس از پرداخت حق بیمه مربوط به دو سال اول مدت بیمه، یک پس‌انداز یا اصطلاحاً اندوخته، برای بیمه‌گذار ایجاد می‌شود. این اندوخته در نظر بیمه‌گران، اصطلاحاً ذخیره ریاضی نام دارد.

دست نیست و ادعای اجماع بر ضمان مالم یجب ناتمام است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۵؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳).

۵. نتیجه گیری

قرارداد بیمه عمر، به عنوان یک قرارداد صحیح و مستقل، تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و با هیچ مانع فقهی و حقوقی مواجه نیست. حکم به صحت و استقلال قرارداد بیمه عمر، با عرضه این قرارداد بر عمومات و اطلاعات ادله صحت عقود، مانند آیات شریفه «اوفوا بالعقود» و «تجاره عن تراض» و روایات «المؤمنون عند شروطهم» و «الناس مسلطون علی اموالهم» و تطبیق این قرارداد با قواعد عمومی قراردادها که در ماده ۱۹۰ ق.م. به آن اشاره شده و عدم مواجه آن با موانع فقهی و حقوقی از قبیل: ربا، قمار، تعلیق و غرر، صورت گرفته است. هر چند که در بررسی تطبیقی قرارداد بیمه عمر با عقود معین، روشن گردید که از طریق انطباق این قرارداد با عقود معینی مانند عقد صلح و هبه معوض، می توان بر مشروعیت آن، حکم داد؛ زیرا امکان انعقاد این قرارداد در قالب عقود معین مشابه وجود دارد. با این حال با توجه به عمومات ادله صحت عقود و محصور نبودن عقود در قالب های معین، نیازی به انعقاد این قرارداد در قالب عقود معین مشابه وجود ندارد. زیرا قرارداد بیمه عمر به عنوان یک عقد مستقل، با هیچ مانع شرعی و حقوقی مواجه نیست بنابراین لزومی بر انعقاد ماهیتی مستقل و صحیح، در قالب ماهیت مشابه دیگر وجود ندارد.

منابع

۱. آقا تبریزی، م. ج.، ۱۳۷۵. توضیح المسائل، قم: انتشارات سرور، چ ۱، ص ۵۴۳.
۲. آل شیخ، م.، ۱۳۸۱. ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی. فصلنامه صنعت بیمه، ش ۲، تابستان، صص ۱۳۳-۱۲۹.
۳. السان، م.، ۱۳۸۲. ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بیمه عمر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۴۱.
۴. امامی، م. و السان، م.، ۱۳۸۳. ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای بیمه عمر. فصلنامه صنعت بیمه، ش ۲، تابستان، صص ۷۳-۶۷.
۵. انصاری، م.، ۱۴۱۵. المکاسب، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چ ۱، ص ۲۷.
۶. اوپر، ژ. ل.، ۱۳۷۸. بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، تهران: بیمه مرکزی ایران، چ ۲، ص ۲۵.
۷. برهانیان، ع. الف.، ۱۳۸۶. بررسی مبانی بیمه در اسلام، قم: زمزم هدایت، چ ۱، صص ۴۹۲-۱۴۶.
۸. توحیدی‌نیا، الف.، ۱۳۸۱. تکافل و اهمیت توجه بیشتر به آن در ایران. فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و دوم، ش ۴، ص ۱۰۷.
۹. جمالی‌زاده، الف.، ۱۳۸۰. بررسی فقهی عقد بیمه، قم: بوستان کتاب قم، چ ۱، صص ۴۹۰-۲۶۸.
۱۰. جوهریان، م. و.، ۱۳۷۳. بیمه عمر، تهران: شرکت سهامی بیمه ایران، چ ۱، ص ۶۱.
۱۱. حلی، م. ن.، ۱۴۰۸. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: موسسه اسماعیلیان، چ ۲، صص ۱۱۰، ۸.
۱۲. حلی، ح.، ۱۴۱۵. بحوث فقهیه. مؤسسه المنار، چ ۴، صص ۹-۳۸.
۱۳. خویی، الف.، ۱۴۱۰. منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، چ ۲۸، ص ۲۵۱.
۱۴. خویی، الف.، ۱۴۱۲. مصباح الفقاهه، بیروت: دارالهادی، چ ۱، صص ۵-۱۰۳.
۱۵. خویی، الف.، ۱۳۹۰. المسائل المنتخبه، نجف: مطبوعه الاداب، نجف، چ ۱، ص ۳۲۸.
۱۶. دستباز، ه.، ۱۳۷۷. اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۲، چ ۱، صص ۵۹-۱۰.

۱۷. زین‌الدین، م. الف، ۱۴۱۳. کلمه التقوی، قم: جواد وداعی، چ ۳، ص ۴۴۷.
۱۸. سبزواری، ع. الف، ۱۴۱۳. مهذب الاحکام، قم: دفتر آیه الله سبزواری، چ ۴، ص ۲۲۱.
۱۹. شهید ثانی، ۱۴۱۰. الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: کتابفروشی داوری، ج ۴، چ ۱، ص ۲۱۱.
۲۰. شهید ثانی، ۱۴۱۳. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع لاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، چ ۱، ص ۱۵۵.
۲۱. شهیدی، م. ۱۳۸۶. تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چ ۶، صص ۷۳، ۵۶.
۲۲. صادقی نشاط، الف، ۱۳۷۲. غرر و شرط تعهد به نفع ثالث در بیمه عمر. فصلنامه بیمه، ش ۴، زمستان، صص ۸-۳۷.
۲۳. طباطبایی حکیم، م. ۱۴۱۰. منهاج الصالحین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چ ۱، ص ۱۵۳.
۲۴. طباطبایی یزدی، م. ک، ۱۴۱۵. سؤال و جواب، مرکز نشر العلوم الاسلامی، چ ۱، صص ۲۵۲-۱۲۱.
۲۵. طوسی، الف. ج، ۱۳۸۷. المسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چ ۳، ص ۱۶۹.
۲۶. عرفانی، ن. ۱۳۸۱. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، تهران: کیهان، چ ۲، صص ۱۳۳-۹۱.
۲۷. غروی اصفهانی، م. ح. ۱۴۱۸. حاشیه المکاسب، قم: نشر محقق، چ ۱، صص ۱۰۹، ۳۵.
۲۸. فنوتی، ج. ۱۳۷۹. حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ص ۲۲۰.
۲۹. کاتوزیان، ن. ۱۳۷۰. دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی: قرارداد ایتاق، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ۹، صص ۴۱-۱۳.
۳۰. کریمی، آ. ۱۳۸۷. کلیات بیمه، تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه، چ ۱۲، صص ۸-۱۷، ۵۲-۶.
۳۱. مراغی، ع. الف، ۱۴۱۷. العناوین، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چ ۱، صص ۱۷۷-۱۰.
۳۲. مشایخی، ه. بی‌تا، مبانی و اصول حقوقی بیمه (بیمه‌های اشخاص)، تهران: انتشارات مدرسه عالی بیمه، صص ۲۷۰-۱۹۱.
۳۳. مطهری، م. ۱۳۳۸. ربا به ضمیمه بیمه، تهران: انتشارات صدرا، چ ۱، صص ۸-۳۰۶.

۳۴. مظفر، م. ر.، بی تا، اصول الفقه، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ ۵، صص ۱۴۱-۶۵.
۳۵. موسوی خمینی، ر. الف.، بی تا. تحریر الوسیله، قم: مؤسسه دارالعلم، چ ۱، صص ۶۹۰-۴۷۵.
۳۶. موسوی خمینی، ر. الف.، ۱۳۷۶. البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چ ۱، صص ۲۱۷، ۹۹-۷۰.
۳۷. میرزای قمی، الف.، ۱۴۱۳. جامع الشتات فی اجوبه السؤالات، تهران: مؤسسه کیهان، چ ۱، ص ۳۲.
۳۸. نائینی، م. ح.، ۱۳۷۳. منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، تهران: المکتبه المحمدیه، چ ۱، صص ۱۱۷-۷۰.
۳۹. نجفی، م. ح.، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ص ۳۳۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی